

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته

با بحث‌های گذشته و با ادله‌ای که اقامه شد روشن شد که احتیاط جایز است، ولو اینکه انسان تمکن از اجتهاد یا تقلید را داشته باشد.

دو شرط مرحوم سید(ره) برای عامل به احتیاط

مرحوم سید در عروه در مسئله 2 فرموده‌اند «أقوی جواز احتیاط است»، لکن یک قیدی را ذکر فرموده‌اند که کسی که می‌خواهد احتیاط کند، باید عارف به کیفیت احتیاط باشد، آن هم بالاجتهاد أو بالتقلید.

عبارت ایشان این است «الأقوی جواز العمل بالاحتیاط مجتهدا كان أو لا، لکن يجب أن يكون عارفاً بكيفية الاحتیاط بالاجتهاد أو بالتقلید»؛ دو نکته در این قید مرحوم سید وجود دارد:

نکته اول، کسی که احتیاط می‌کند، باید عارف به کیفیت احتیاط باشد؛

نکته دوم، این کیفیت احتیاط را هم باید از راه اجتهاد یا تقلید بلد باشد.

نتیجه این می‌شود که بالاخره احتیاط سر از اجتهاد یا تقلید در می‌آورد و آن کسی که می‌خواهد احتیاط کند، در احتیاطش یا باید مجتهد باشد یا باید مقلد باشد. این دو نکته در فرمایش سید وجود دارد.

شرط اول: عارف به کیفیت احتیاط

از مجموع کلمات فقهاء نسبت به نکته اول تردیدی وجود ندارد، یعنی همه قائل هستند کسی که می‌خواهد احتیاط کند باید عارف به کیفیت احتیاط باشد.

یک مثال روشن در این قضیه این است که اگر کسی یک آب قلیلی دارد که با ملاقات با نجس منفعّل شده و اکنون متنجس

شده، اگر لباس او با این آب قلیل ملاقات پیدا کرد، این لباس نجس شده، حالا اینجا فرض هم این است که غیر از این لباس، لباس دیگری برای نماز ندارد، الان وقتی که می‌خواهد نماز بخواند، اینجا مقتضای احتیاط چیست؟

بعضی قائل شده‌اند به اینکه احتیاط اقتضاء می‌کند که این شخص عریاناً نماز بخواند، اصلاً دیگر لباس نپوشد و به تکلیف شخصی عمل کند که باید به صورت عریان نماز بخواند.

برخی هم گفته‌اند که این خلاف احتیاط است، احتیاط اینچنینی برای این که ما نمی‌دانیم آیا این لباس ما که الان شده متنجس، نمی‌دانیم که آیا این متنجس هم مانعیت از صحت صلاۀ دارد یا نه؟ اگر می‌خواهد احتیاط کند، هم باید عریاناً نماز بخواند و هم باید با همین لباس و ثوب متنجس نماز بخواند.

حالا اگر می‌خواهد وضو بگیرد و فقط همین آب قلیلی که الان انفعال پیدا کرده را دارد، آیا فقط تیمم کند و با تیمم نماز بخواند یا علاوه بر تیمم، وضو هم بگیرد؟

بعضی گفته‌اند هم باید تیمم کند و هم وضو بگیرد. دیگران اشکال کرده‌اند که اگر بخواند وضو بگیرد، این آب قلیلی که الان متنجس شده به بدن این می‌رسد، این احتمال وجود دارد که بدن هم متنجس شود و این هم مانعیت از صحت صلاۀ داشته باشد.

بنابراین گاهی اوقات در بعضی از موارد انسان باید بحث کند ببیند بالاخره کیفیت احتیاط چگونه است؟

مثال دیگر؛ الان برای کسی که قبله مشتبّه است، می‌خواهد هم نماز ظهر بخواند و هم نماز عصر بخواند. می‌خواهد به چهار طرف نماز بخواند. اینجا چگونه نماز بخواند؟ ابتدا به هر یک از این چهار طرف نماز بخواند، به طرف شمال نماز ظهر را می‌خواند، نماز عصر را هم می‌خواند، بعد به طرف دیگر دو نماز بخواند، و بعد به دو جهت دیگر.

بعضی در این شبهه کرده‌اند و گفته‌اند معنای این احتیاط این است که احتمال دارد این نماز عصر که بعد از این نماز ظهر واقع شده، نماز ظهر به طرف قبله‌ی واقعی نباشد، نماز عصرش هم به طرف قبله‌ی واقعی نیست و نماز عصر در صورتی مشروعیت دارد که نماز ظهر را به طرف قبله‌ی واقعی انجام داده باشد. اگر نماز ظهر را خواند و فرض می‌کنیم به طرف قبله نیست، نماز عصرش را هم اگر به همین طرف خواند این اشکال دارد و اشکالش این است که نماز عصر در صورتی مشروع است که نماز ظهر را آورده باشد.

در همین اشتباه القبله خود همین جا کیفیت‌های مختلفی وجود دارد، مثلاً از یکطرف شروع کند، به چهار طرف نماز ظهر را بخواند، بعد برای نماز عصر از یک جهت دیگری شروع کند، جهتی غیر از آن جهتی که نماز ظهر را خوانده، اینها باعث می‌شود که فقیه بگوید کسی که می‌خواهد احتیاط کند، باید عارف به کیفیت احتیاط باشد.

شرط دوم: علم به کیفیت احتیاط، بواسطه اجتهاد یا تقلید باشد

نکته‌ی دومی که مرحوم سید(ره) فرموده این است که کیفیت احتیاط را باید از راه اجتهاد یا تقلید بداند.

این یک مقداری محل بحث و دقت است. آیا کسی که می‌خواهد احتیاط را انجام دهد، لازم است که حتماً احتیاط را هم از راه اجتهاد یا تقلید بداند؟ یا احتمال و راه دیگری وجود دارد و آن راه این است که در کیفیت احتیاط هم احتیاط کند؟

مثلاً در همین نماز ظهر و عصر که مثال زدیم، احتیاطش این است که چهار نماز ظهر و چهار نماز عصر بخواند، بعد از همان جهتی که شروع کرده برای نماز ظهر، از همان جهت نماز عصر را شروع کند و بخواند، که در خود احتیاط و در کیفیت احتیاط هم احتیاط می‌کند.

مرحوم سید فرموده‌اند در احتیاط یا باید اجتهاد کند، حالا اگر یک مجتهدی گفت به نظر من، عمل احتیاطی به این تحقق پیدا می‌کند که به هر جهت از اول دو تا نماز بخوان، یعنی به این جهت نماز ظهر و عصر را بخوان، جهت دیگر نماز ظهر و عصر، جهت سوم همینطور تا آخر. حالا اگر انسان خودش اجتهاداً به این نظر رسید، ولو اینکه اجتهاداً به این نظر رسید باز نمی‌تواند خودش در کیفیت احتیاط هم احتیاط کند؟

اگر شخصی است که مقلد است، مرجع تقلیدش هم می‌گوید که برای نماز ظهر و عصر می‌توانی یک نماز ظهر الان به اینطرف بخوانی، می‌توانی به جهت دوم بروی عصر را بخوانی، جهت سوم دوباره ظهر را بخوانی، اصلاً مختلفش کنی. اگر فتوایش این بود، باز آیا خودش نمی‌تواند این تقلید را رها کند و در کیفیت احتیاط، احتیاطی عمل کند؟ مسلم می‌تواند این کار را انجام دهد.

نظر علماء دیگر در مسأله

عرض کردم در کلمات مرحوم آقای خوئی و مرحوم آقای حکیم و نیز مرحوم سبزواری در مذهب الاحکام، که هر سه شرح برای عروه را دارند، بین این دو جهت تفکیک نکرده‌اند.

مرحوم آقای حکیم در مستمسک مسئله را پذیرفته و ایشان هم دو مطلب را فرموده (مستمسک ج 1، ص 7): «هذا شرط للاكتفاء بالاحتياط في نظر العقل، بل لعل عدم المعرفة مانع من حصول الاحتياط، فلا يحصل الأمن»؛ یعنی وقتی ما به عقل مراجعه می‌کنیم عقل می‌گوید آن احتیاطی که در مقام امتثال کافی است، احتیاطی است که تو کیفیت آن را بلد باشی. در مطلب دوم ترقی فرموده‌اند که کسی که اصلاً کیفیت احتیاط را بلد نباشد، این مانع از حصول احتیاط است.

پس در عبارت عروه دو جهت وجود دارد؛ یکی اینکه در عمل به احتیاط باید عارف به کیفیت احتیاط باشد. دوم باید این عرفان به کیفیت احتیاط، یا از راه اجتهاد باشد یا از راه تقلید باشد. بحث این است که چرا این دو جهت را تفکیک نکرده‌اند تا روی آن بحث کنند و همین‌طور به نحو کلی فرموده‌اند این مسئله مسلم است که باید کسی که احتیاط می‌کند عارف به کیفیت احتیاط باشد.

این عبارت مرحوم آقای حکیم در مستمسک بود، در حالی که سؤال اصلی این است و شاید مقصود اصلی سید هم در عروه این است که چرا باید عارف بودن به احتیاط، از راه اجتهاد یا تقلید باشد؟

دقت کنید که قبلاً عرض کردم ولو اینکه بحث ما روی متن تحریر الوسیله است، اما چون مسائل عروه را هم می‌بینیم و با این بحث تحریر مقارنه می‌کنیم و نکاتی که در آنجا باشد اینجا هم مطرح می‌کنیم، حتماً روی حواشی عروه خیلی دقت کنید. اگر در یکی از این حاشیه‌ها، مسئله‌ای بود که کسی حاشیه‌ای ندارد، معنایش این است که همه این مسئله را پذیرفته‌اند.

حال در این مسأله فقط یک حاشیه وجود دارد؛ و آن حاشیه مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی است که در حاشیه عروه فرموده: «إن كانت الكيفية من المسائل النظرية»؛ اگر کیفیت احتیاط از مسائل نظری باشد، یعنی نیاز به بحث داشته باشد.

گاهی اوقات کیفیت احتیاط عنوان نظری را ندارد، مثلاً دو لباس است، شما نمی‌دانید کدامیک از اینها نجس است و کدام نجس

نیست. حال می‌خواهید احتیاط کنید و نماز بخوانید. در اینجا دو نماز در دو لباس می‌خوانید. این دیگر نیاز به بحث و استدلال ندارد. می‌دانید یک نماز درست است و یکی هم باطل است.

اما اگر کسی نمی‌داند که نماز ظهر را جهراً بخواند، یک نماز ظهر را اخفاً بخواند، در حالی که نظر برخی علما این است که احتیاط در اینجا به این نیست که دو نماز بخواند، احتیاط در اینجا این است که کسی که نماز ظهر را در روز جمعه می‌خواند، اول حمد را جهراً بخواند، تمام که شد دو مرتبه حمد را اخفاً بخواند. در یک نماز هر دو قرائت را بیاورد، این می‌شود احتیاط. یا در مسئله اشتباه قبله که آیا اول چهار نماز ظهر بخواند بعد چهار نماز عصر بخواند.

مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی فرموده اگر کیفیت احتیاط از مسائل نظریه است، یعنی نیاز به نظر و استدلال و بحث دارد، اینجا باید در کیفیت احتیاط یا اجتهاداً وارد شود و یا تقلیداً وارد شود.

در عروه دو سه مسئله هست که این دو سه مسئله را در کتاب تحریر الوسیله نیاورده‌اند؛ یکی از آنها همین مسئله 2 است که فرموده‌اند باید در احتیاط، عارف به کیفیت احتیاط باشد.

مرحوم سید در مسئله پنج فرموده که در خود مسئله‌ی جواز احتیاط، که آیا احتیاط جایز است یا خیر، یا باید مجتهد باشد یا مقلد. ملاحظه کردید چهار دلیل از طرف مانعین جواز احتیاط ذکر کردیم. حالا یک کسی بگوید من مجتهد نیستم، مقلد هم نیستم، می‌خواهم احتیاط کنم، سید فرموده در جواز احتیاط یا باید مقلد باشد یا مجتهد باشد، دلیلی هم که آورده فرموده «لان المسألة خلافية»، مسئله، مسئله‌ی اختلافی است، یعنی در اینکه آیا احتیاط جایز است یا جایز نیست، بین علماء و بزرگان اختلاف وجود دارد.

مرحوم کاشف الغطاء در ذیل مسئله پنج فرموده‌اند: «لكن لو عمل بالاحتياط بغير اجتهاد و لا تقليد أجزاء، لأنّه أحرز الواقع»؛ اگر به احتیاط عمل کرد بدون اینکه در جواز احتیاط اجتهاد یا تقلید کند، ایشان فرموده این مجزی است، برای اینکه واقع را آورده است.

نتیجه گیری

نتیجه بحث اینکه در اینجا سه مطلب داریم، یعنی وقتی مسئله 2 و 5 را کنار هم بگذاریم، سه مطلب در اینجا وجود دارد:

1. کسی که عمل به احتیاط می‌کند باید عارف به کیفیت احتیاط باشد. این مطلب، مطلب مسلمی است و هیچ تردیدی هم در آن وجود ندارد.

2. کسی که عمل به احتیاط می‌کند باید در کیفیت، یا مجتهد باشد یا مقلد؛ آیا این لازم است یا نه؟ عرض کردیم که لازم نیست که در کیفیت احتیاط اجتهاد کند یا تقلید کند، اگر در یک عملی احتیاط صور متعدده دارد، و این شخص در بین صور متعدده، در خود کیفیت احتیاط، احتیاط کند، چه نیازی دارد دیگر اجتهاد کند یا تقلید کند؟!

این نکته را والد بزرگوار ما در کتاب تفصیل الشریعه قائل شده‌اند و تصریح فرموده‌اند: نیازی نیست به اینکه ما بگوییم در احتیاط، یا باید مجتهد باشد یا باید مقلد باشد. اگر در کیفیت احتیاط کسی احتیاط کرد، باز کافی است.

حالا دلیل مطلب چیست؟ دلیل مطلب این است که خود احتیاط، یک حکم عقلی است. عقل می‌گوید در مقام امتثال اگر احتیاط

کردید، کافی است. ما از اول سال گفتیم که عقل می‌گوید حالا که علم اجمالی به یک سری از تکالیف دارید؛ یا باید احتیاط کنید یا باید مجتهد باشید و یا باید مقلد باشید، و این احتیاطی که عدل اجتهاد یا تقلید است، یعنی یک عملی انجام دهیم که یقین داشته باشیم تکلیفمان را انجام داده‌ایم.

عقل وقتی این احتیاط را در امتثال کافی می‌داند، چه لزومی دارد که ما در کیفیت احتیاط هم اجتهاد کنیم؟ عقل می‌گوید در خود کیفیت احتیاط هم احتیاط کن. اگر می‌خواهی احراز کنی که واقع را آوردی، در خود کیفیت احتیاط هم احتیاط کن.

دقت کنید؛ احتیاط مادامی مشروع است که مستلزم عسر و حرج نباشد. حالا اولاً فرض ما در جایی است که اصلاً عسر و حرج نیست. ثانیاً؛ ما از اول بحث احتیاط محل نزاع را روشن کردیم و گفتیم احتیاطی که ما الان بحث می‌کنیم این است که آیا عمل احتیاطی کفایت از امتثال می‌کند یا نمی‌کند؟ یعنی اگر من با احتیاط، اطاعت مولا کردم، این کافی است یا نه؟

حالا اگر یک احتیاطی مستلزم عسر و حرج شد، عسر و حرج سبب می‌شود که من یک معصیتی را مرتکب می‌شوم، اما آن امتثال من از بین نمی‌رود، من امتثال را انجام دادم ولو اینکه یک عسر و حرجی هم کنارش باشد.

پس این جهات را دقت کنید: جهت اول اینکه محتاط باید عارف به کیفیت باشد هیچ بحث و تردیدی وجود ندارد.

جهت دوم این است که آیا در این عارف بودن باید از روی اجتهاد یا تقلید عارف باشد، یا نه چون احتیاط یک امر عقلی است در مقام امتثال، عقل می‌گوید در خود احتیاط هم شما در کیفیتش احتیاط کن. در کیفیت احتیاط هم احتیاط می‌کند. حالا که در کیفیت احتیاط، احتیاط کرد، دیگر لازم نیست در کیفیت احتیاط اجتهاد یا تقلید کند.

در جهت دوم می‌خواهیم بگوییم کسی که می‌خواهد در کیفیت، احتیاط کند، آیا در کیفیت احتیاط باید مجتهد یا مقلد باشد؟ گفتیم وجهی ندارد، می‌تواند در خود کیفیت احتیاط، احتیاط کند.

اینجا مرحوم آقای حکیم فرمودند: «هذا شرط للاكتفاء بالاحتياط في نظر العقل»؛ هذا؛ یعنی این که به اجتهاد یا تقلید، عارف به کیفیت احتیاط باشد، عقلاً شرط اکتفا به احتیاط است.

با این بیانی که ما عرض کردیم این قسمت اول عبارت مرحوم آقای حکیم مخدوش می‌شود. شما که می‌گوئید «شرط للإكتفاء بالاحتياط»، می‌گوییم نه، ممکن است کسی در احتیاط، اجتهاد و تقلید نکند، مع ذلک آن احتیاط واقعی را انجام دهد. اگر کسی در کیفیت احتیاط، احتیاط کرد و دیگر اجتهاد یا تقلید نکرد، امتثالش انجام شده، در حالی که ایشان می‌فرماید «هذا شرط للإكتفاء بالاحتياط». با بیان ما دیگر شرطیت اینکه در امتثال احتیاطی یا باید مجتهد باشد یا مقلد، از بین می‌رود.

بعد ترقی کردند و فرمودند: «بل لعل عدم المعرفة مانع من حصول الاحتياط، فلا يحصل الأمن»؛ عدم معرفت مطلق را اگر بگویند، بله، اما اگر مقصودشان این باشد کسی که از روی اجتهاد و تقلید نداند، این مانع از حصول احتیاط است، مانعیت ندارد. زید احتیاط می‌کند، در کیفیت احتیاط هم احتیاط می‌کند، اجتهاد و تقلید نمی‌کند، مع ذلک احتیاطش هم واقع می‌شود.

لذا در فرمایش مرحوم آقای حکیم، هم صدرش محل اشکال است و مخدوش است و هم ذیل فرمایش ایشان مخدوش است. پس این جهت دوم درست شد. و می‌گوییم لازم نیست در معرفت احتیاط، اجتهاد و تقلید داشته باشد، بلکه می‌تواند در خود احتیاط و در کیفیت احتیاط هم احتیاط کند.

3. جهت سوم این است که آیا در جواز احتیاط، باید مقلد یا مجتهد باشد؟ که در جلسه بعد عرض می‌کنم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین